



## قتل وحشیانه جورج فلوید ، زنگها را برای سرمایه داران به صدا در آورد!

آگاهی مردم آمریکا از این امر که یک مرد سیاه پوست (جورج فلوید) در تاریخ ۲۵ مه ۲۰۲۰ توسط پلیس فاشیست آمریکا به شیوه بربر منشانه و تحت یک شکنجه دردناک به شکل فجیعی به قتل رسید، شورشی بزرگ و دامنه داری را در جامعه آمریکا برپا نموده که همچنان ادامه دارد.

نمایش صحنه نفرت آور پلیس فاشیستی که بی اعتنا به جان انسانی که بر کف آسفالت خوابانده شده و فریاد می زند "نمی تواند نفس بکشد"، اما او همچنان زانوی خود را بر گردن قربانی فشار می دهد تا جان او را بستاند، نشانگر توحش نهادینه شده در صفوف فاشیست هایی است که نظم امپریالیستی حاکم را پشتیبان خود و جنایاتشان می بینند. این شیوه بربرمنشانه قتل یک فرد سیاه پوست اگر چه آن قدر موهن و تنفر آور بود که نمی توانست وجدان انسان های آزادیخواه و شریف را بر نیانگیخته و آن ها را جهت اعتراض و ابراز تنفر نسبت به قاتلان این مرد سیاهپوست به خیابان ها نکشاند، اما این صرف قتل و چگونگی کشتن جورج فلوید نیست که حضور ده ها هزار تن از مردم آزادیخواه آمریکا، از سیاه و سفید گرفته تا خارجی تبارها را در خیابان های ۱۴۰ شهر آمریکا، این سمبل دروغین "حقوق بشر"، "تمدن"، "آزادی" و "فرصت های برابر" و تمامی تبلیغات دروغین دیگر در این زمینه را توضیح می دهد. قتل فجیع "جورج فلوید" به مثابه جرعه ای عمل کرد که در شرایط انباشته شدن خشم و کینه محرومان در آمریکا نسبت به شکاف طبقاتی عظیم در سیستم سرمایه داری امپریالیستی این کشور بین آن ها و طبقه انگلی که از قتل کار و رنج و زحمت این محرومان ارتزاق می کند و مروج نژاد پرستی هم می باشد، انفجار توده ای کنونی را به وجود آورد. به واقع، این قتل، تنها یک جرعه بود که یکبار دیگر انبان خشم توده های ستمدیده و طبقات محروم در آمریکا را به آتش کشید و بوی گند عفونت عمیق موجود در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی حاکم بر ایالات متحده آمریکا که نژاد پرستی و فاشیسم تنها مواردی از جلوه های کثیف آن می باشند را آشکار ساخت.

شورش هائی که هم اکنون در چندین ایالت آمریکا جریان دارند، و برخورد سرکوبگرانه دولت آمریکا با این شورش ها ، آن طور که زورنالیسم فریبکار و بی خاصیت بورژوازی جلوه می دهد ، صرفاً "بزرگترین ناآرامی های نژادی در نیم قرن اخیر در آمریکا" نیست بلکه دادخواست تغییر بنیادین و نابودی نظام استثمارگرانه ای است که در ضمن عامل اصلی "نابرابری های نژادی" این چینی هم می باشد. بی دلیل نیست که در جریان این "ناآرامی ها" بسیاری از مراکز سرکوب و استثمار توسط شورشیان به آتش کشیده شدند. به واقع، شعله های حاصل از آتش بر این مراکز، تبلوری از شعله های خشم و کینه ای است که در دل های محرومان نسبت به سرمایه داران و نیروهای سرکوبگرشان زبانه می کشد.

توده های خشمگینی که با شعار های "عدالت برای فلوید" ، "من نمی توانم نفس بکشم" ، "نه به خشونت پلیس" ، "جان سیاهان مهم است" ، "به خشونت نژادی پایان دهید" و ... همراه با دست نوشته هائی علیه سرمایه داری و ثروتمندان، بر روی دیوارها، همچون "مرگ بر یک درصدی ها"، به خیابان ها آمده اند، چنان رعبی در دل استثمارگران و نژاد پرستان انداخته اند که ترامپ تبهکار و نژاد پرست را در هراس از گرفتار شدن به دست معترضین، وادار به فرار به زیر زمین کاخ سفید کردند. این در حقیقت، طغیان ۹۹ درصد از محرومان علیه یک نظام

ظالمانه با شکاف طبقاتی شدید، علیه فقر، بیکاری، گرانی و بی چیزی، خیابان خوابی و کارتن خوابی و سرکوب و نابرابری و در یک کلام علیه تمامی تجلیات نظام سرمایه داری حاکم بر آمریکاست.

سرکوب وحشیانه این تظاهرات با گاز اشک آور و اسپری فلفل و نارنجک بی حس کننده و شلیک گلوله های پلاستیکی و به خدمت گرفتن ارتش و تهدید به شلیک با سلاح گرم و رها کردن "سگان وحشی" به میان معترضین و بالاخره دستگیری صد ها نفر از معترضان، حتی به دلیل شرکت در تظاهرات مسالمت آمیز، تنها نمایانگر هراس طبقه سرمایه دار حاکم و نمایندگان فاشیست آن نظیر ترامپ از تداوم و رشد این اعتراضات است. حرکتی که چُرت سرمایه داران حاکم را پاره کرده و می رود تا تهدیدی برای پایه های نظم امپریالیستی در این کشور گردد.

سیاست ترامپ نژاد پرست و طبقه حاکم، اظهار تاسف های شیادانه و همدردی فریبکارانه با بازماندگان قربانی و در سخاوتمندانه ترین حالت با سیاهپوستان آمریکا و در همان حال بستن شمشیر از رو و حمله برای قلع و قمع حرکت اعتراضی توده های مبارز و آزادیخواه بوده است. اکنون همکاران همان پلیس مزدور و نژاد پرست طرفدار ترامپ، که با گذاردن زانوی خود بر گردن جورج فلویید او را به قتل رساند، با ماشین های پلیس به سوی جمعیت تظاهر کنندگان گاز می دهند و می کوشند از روی آن ها رد شوند. این همکاران پلیس مزدور و قاتل، با ضرب و شتم وحشیانه کسانی که با فریاد دادخواهی به خیابان ها آمده اند، چنان صحنه هایی از شقاوت و بیرحمی در مقابل تلویزیون ها آفریده اند که با قتل فجیع جورج فلویید برابری می کند. توده محروم و مصمم برای مبارزه، با مشاهده همین صحنه هاست که فریفته اظهارات شیادانه ترامپ نشده و همچنان به رغم اعلام حالت فوق العاده توسط برخی فرمانداران ایالت ها، مصممانه به تظاهرات خود و مقاومت در برابر تعرض طبقه حاکم ادامه می دهند. مردم آزادیخواه آمریکا نظیر همین تاکتیک های فریبکارانه را در جریان قتل های مشابه نژادپرستانه از سوی پلیس در زمان باراک اوباما به اصطلاح دمکرات هم دیده بودند و شاهد بودند که صرف نظر از این که یک جمهوری خواه و یا یک دمکرات بر سیستم سیاسی حاکم بر آمریکا حکم براند، به رغم هر ادعائی که هر یک از آن ها ممکن است داشته باشند در عمل از اساس استثمارگرانه نظام سرمایه داری حاکم و نژادپرستی و فاشیسم نهادینه شده در آن حفاظت می کنند.

امروز نمایندگان طبقه حاکم از هر دو جناح و سخنگویان آن ها و نیروهای راست با استناد به، به آتش کشیده شدن فروشگاه های زنجیره ای و شعبات انحصارات امپریالیستی ای که در سراسر آمریکا انباشته از کالاهای مصرفی و گران و غیر قابل دسترس برای میلیون ها تن از گرسنگان و بیکاران و محرومان آمریکا می باشند، تبلیغات گسترده ای به راه انداخته و کمر به بی اعتبار کردن اعتراضات اخیر و ماهیت ضد سرمایه داری و ضد فاشیستی این شورش ها بسته اند. آن ها به خصوص روی مصادره کالاهای برخی از این مراکز توسط توده های محروم تمرکز نموده اند. اما آن چه که در این واکنش اجتماعی و تخریب و "غارت" و به واقع مصادره از فروشگاه های لوکس به نمایش گذارده شد، از یک سو طغیان خشم و نفرت بی چیزان و محرومان نسبت به عوامل فقر و بیکاری و غارت و استثمار خود یعنی انحصارات امپریالیستی می باشد و از سوی دیگر تلاش برحق آن ها برای مصادره بخش بسیار ناچیزی از اموالی است که با وجود آن که با نیروی کار آن ها آفریده شده، اما کمترین سهمی از آن نمی برند و در شرایط بی حقوقی کامل در نظام حاکم بر آمریکا محکوم به گرسنگی و بردگی شده اند. اگر هم از زیاده روی در تخریب ها سخن در میان است، باید درک کرد که عامل آن نه محرومان گرسنه و به جان آمده از نابرابری، که گردانندگان نظامی هستند که به جای تامین نیازهای اکثریت جامعه تنها به مکیدن شیره جان آنان و پر کردن جیب های خود مشغولند و هر گونه مطالبه برای تغییر این وضع و حتی تعدیل در آن را با پلیس فاشیست و ارتش و دستگاه سرکوب پاسخ می دهند.

بدون شک بازتاب ها و نتایج تظاهرات و شورش های روزهای اخیر در آمریکا پس از قتل جورج فلوید به همین جا ختم نمی شوند. اما برای هر چشم خیره بر واقعیت روشن است که تظاهرات و شورش کنونی در آمریکا زنگ های خطر را برای استثماریان به صدا در آورده اند! به امید آن که کارگران و ستمدیدگان معترض و بیخاسته این کشور بتوانند با سازماندهی خود در جهت نابودی امپریالیسم آمریکا، این دژ ارتجاع جهان - که نه فقط با استثمار کارگران این کشور بلکه با استثمار نیروی کار کشورهای تحت سلطه اش و غارت ثروت های آن ها عامل فقر و فلاکت و مصیبت های دردناک در سراسر دنیا می باشد - حرکت کنند. شکی نیست که تلاش های مبارزاتی کارگران و ستمدیدگان آمریکا در حالی که راه رسیدن به جامعه ای عاری از ظلم و ستم و استثمار را در این کشور هموار می سازد، نقش بزرگی نیز در تسهیل امر انقلاب در سطح جهان دارد.

**پر توان باد خروش مبارزاتی ستمدیدگان در آمریکا!**

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا!**

**نابود باد نظم ظالمانه سرمایه داری در سراسر جهان!**

**زنده باد انقلاب! پیروز باد سوسیالیسم!**

چریکهای فدایی خلق ایران

۱۴ خرداد ۱۳۹۹ - ۳ جون ۲۰۲۰